



فرهنگ به مثابه توسعه

دیوید رز

ترجمہ محمد رضا فرہادی پور

فرہنگ بہ مثابہ توسعہ



بنگاہ ترجمہ و نشر
کتاب پارسہ

سرشناسه: رز، دیوید چارلز (David Charles) Rose, David C.
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ به مثابه توسعه/ دیوید رز/ محمدرضا فرهادی پور
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۸۳۹-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: [2019], Why culture matters most
فرهنگ -- جنبه‌های اقتصادی/ نظام‌های اجتماعی -- رشد/ رشد اقتصادی
موضوع: موضوع: فرهنگ -- جنبه‌های اقتصادی/ نظام‌های اجتماعی -- رشد/ رشد اقتصادی
شناسه افزوده: فرهادی پور، محمدرضا، ۱۳۵۶-، مترجم
رده‌بندی کنگره: HM۶۲۱
رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۸۶۷۶۱



■ فرهنگ به مثابه توسعه

دیوید رز ترجمه محمدرضا فرهادی پور

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: دالاهو

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۲، ۷۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh





دیوید رز (۱۹۵۹)

او دارای دکترای اقتصاد از دانشگاه ویرجینیا و استاد اقتصاد دانشگاه میسوری سنت لوئیس است. حوزه‌های اصلی موردعلاقه‌اش عبارتند از اقتصاد رفتاری، اقتصاد سیاسی و نظریه سازمان. کتابش با عنوان *بنیادهای اخلاقی رفتار اقتصادی* (۲۰۱۲) از آثار مهم و برجسته آن سال و نامزد جایزه کتاب هابک شد.

فهرست

۹	پیشگفتار مترجم
۱۳	پیشگفتار
۱۹	سپاسگزاری
۲۱	پیش درآمد

چرا فرهنگ بیشترین اهمیت را دارد؟

۲۵	۱. مقدمه
----	----------

بخش اول: چگونه فرهنگ کار می کند

۵۵	۲. اشتراکات فرهنگی
۸۱	۳. فرهنگ در حکم باورهای اخلاقی
۱۰۷	۴. فرهنگ در حکم ابزار
۱۳۱	۵. ظهور جوامع شکوفا

بخش دوم: ملاحظاتی در باب دموکراسی بازار آزاد

۱۵۹	۶. تنگنای دموکراسی بازار آزاد
-----	-------------------------------

۸ ■ فرهنگ به مثابه توسعه

- ۱۸۳ سقوط جوامع شکوفا
- ۲۱۱ خانواده، مذهب، دولت و تمدن
- ۲۳۵ نتیجه گیری
- ۲۶۳ کتابشناسی

پیشگفتار مترجم

سال ۱۳۷۸ در دوره کارشناسی اقتصاد بخش اقتصاد دانشگاه شیراز درسی داشتیم با عنوان «نظام‌های اقتصادی»؛ با «حسین مرزبان». در یکی از جلسات درس، تفاوت‌های دو نوع از نظام‌های اقتصادی تشریح شد. بحث بالا گرفت و کشید به ژنتیک و تأثیرش بر موفقیت اقتصادی جوامع. آنجا جمله‌ای شنیدم که هرگز از ذهنم پاک نشد: «ژنتیک ایرانی با توسعه سازگاری ندارد». پس از آن در دوره کارشناسی ارشد اقتصاد در درس اقتصاد اسلامی کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری را خواندیم؛ با «علی صادقی تهرانی». ماکس وبر در این کتاب بسیار اثرگذار و خواندنی می‌گوید علت موفقیت سرمایه‌داری چیزی نیست مگر اخلاق پروتستانی که با روح سودسازی و تخریب خلاق و سرمایه‌سازی و اخلاق تجاری و کسب و کار، سازگاری بی‌اندازه‌ای دارد. همان سال ۱۳۸۲ بود که کتاب نهادها و تغییرات نهادی داگلاس نورث را خواندم. خلاصه‌اش یک جمله بود: «نهادها عامل اصلی توسعه هستند.» در این میان یکی از مباحثی که مرتب می‌شنیدم دارای چنین مضمونی بود: «فرهنگ ایرانی با توسعه و پیشرفت همخوانی ندارد.» جمله‌ای که همه

ما آن را به طریقی می‌شنویم و برای توجیه بسیاری از شکست‌های اقتصادی و اجتماعی، بر این بی‌فرهنگی تأکید می‌شود. کتاب چرا کشورها شکست می‌خورند؟ دارون عجم‌اوغلو و جیمز رابینسون را که ترجمه می‌کردیم، در همان آغاز مبحثی جدلی مطرح شده بود: بررسی توسعه با چند فرضیهٔ جغرافیا، ژنتیک، فرهنگ و نهادها. از نظر عجم‌اوغلو و رابینسون - که قویاً تحت تأثیر داگلاس نورث هستند - نه جغرافیا، نه فرهنگ، نه ژنتیک عامل توسعه نیستند؛ عامل فرهنگ یک چیز است: نهادها و نهادها و نهادها. از رهگذر این تناقض‌های متعدد و بحث‌انگیز و به مدد مباحثات مختلف، همیشه باور داشتم که فرهنگ برای توسعه اهمیت خاصی دارد. اما تشریح این موضوع به شیوه‌ای که در این کتاب تحلیل شده همان چیزی است که دست‌وپا شکسته به آن فکر می‌کردم، اما توانایی اینکه با چنین سازگاری و نظام‌مندی بیانش کنم و شرحش بدهم را نداشتم. جالب اینکه نویسنده در فصل اول، مباحث فوق را با جزئیات بیشتر و بعضاً با اشاره به همین منابع و مأخذ مطرح می‌کند.

به هر حال، این کتاب به یکی از مباحثات به‌شدت جدل‌انگیز در میان ایرانیان می‌پردازد: فرهنگ چقدر برای توسعه، پیشرفت، بهبود کیفیت زندگی و دستیابی به رفاه اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد. نویسنده به شکلی بسیار مختصر و مفید، و در عین حال به تفصیل، اهمیت فرهنگ را در مقایسه با سایر عوامل توسعه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و بحث‌اش را در چارچوب باورهای اخلاقی و اهمیت آموزش کودکان پیش می‌برد. خواندن این کتاب برای مخالفان و موافقان اهمیت فرهنگ در زندگانی و پیشرفت و توسعهٔ ما مفید است.

سال ۱۳۹۸ وقتی این کتاب کوچک را دیدم، با ولع خواندمش. بعد شروع کردم به دست‌نویس کردن ترجمه. متن، عبارات خاص کم ندارد و به همین

پیشگفتار مترجم ■ ۱۱

منظور چندباری با نویسنده گفتگو کردم و کوشیدم در مواردی دقیقاً منظورش را بفهمم و به خوانندگان منتقل کنم. به هر ترتیب، اگر نقصی در این کار دیدید، مسئولیت‌اش با من است.

پیشگفتار

تعداد محدودی از کشورها جایی شگفت‌انگیز برای زندگی و کار و تشکیل خانواده هستند. تعدادی هم مخوف‌اند. بیشتر کشورها هم جایی بین این دو گونه‌اند. اختلاف نظر ناچیزی در این زمینه وجود دارد که کدام کشورها به چه گروهی تعلق دارند و اگر برسید چرا این کشورها خیلی متفاوت‌اند، اغلب افراد پاسخ خواهند داد که این تفاوت تا حد زیادی برمی‌گردد به تفاوت‌های فرهنگی آن کشورها.

نظریه‌هایی که افراد دربارهٔ چرایی اهمیت زیاد فرهنگ ارائه می‌کنند، طیفی از مبتذل تا عجیب و غریب و از بی‌خاصیت تا مغشوش را دربر می‌گیرد. اما قدرت مشاهدهٔ آن نظریه‌ها نظم کارکردی خوبی دارد. شواهد اهمیت فرهنگ در اطراف همهٔ ما به چشم می‌خورد. فرهنگ در شکل باورهای اخلاقی^۱ - تمرکز این کتاب - تقریباً بر هر آنچه افراد انجام می‌دهند و نوع جوامعی که می‌سازند، اثر می‌گذارد.

1. moral beliefs

خیلی‌ها در برابر تفاسیر فرهنگی برای موفقیت جوامع مختلف مقاومت می‌کنند. این مقاومت احتمالاً به این دلیل است که اگر فرهنگ بیشترین اهمیت را دارد، در این صورت جوامع موفق بیش از نهادهای قوی، سیاست‌های عاقلانه و رهبران خوب، که همه این‌ها مواردی هستند که آسان‌تر از فرهنگ تغییر می‌کنند، به فرهنگ نیاز دارند. این ایده ظاهراً ما را از بهبود کیفیت زندگی کسانی که در جوامع فقیر یا در اجتماعات فقیر در کشورهای ثروتمند زندگی می‌کنند، ناامید می‌سازد.

اما اندیشمندان، محققان و دانشگاهیان بیشتری اهمیت فرهنگ را دوباره کشف کرده‌اند. نمونه‌های ذیل را در نظر بگیرید. اهمیت فرهنگ^۱، لارنس هریسون و ساموئل هانتینگتون^۲ و سه گانه دئیردر مک کلاسکی^۳ در باب نقش فضایل در فراز سرمایه‌داری و سرعت اعتماد نوشته استیون کوری^۴ و دو کتاب حیوان اجتماعی^۵ و جاده شخصیت^۶ از دیوید بروکس^۷ و نوشته‌های او در نیویورک تایمز.

طی سه دهه گذشته، انفجاری در قلمرو تحقیقات دانشگاهی در باب فرهنگ رخ داده است. تقریباً همگان حالا توافق دارند که فرهنگ آن قدر مهم است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، حتی اگر مباحثه درباره آن چندان خوشایند و مطلوب نباشد. اما تاکنون یک نظریه عمومی درباره فرهنگ وجود ندارد که آن را به موفقیت اجتماعی مرتبط سازد. بنابراین، کتاب حاضر نه تاریخی است از تحول فرهنگ و نه مروری است بر شواهد آماری برای دفاع از

1. *Culture Matters*

2. Lawrence Harrison and Samuel Huntington

3. Deirdre McCloskey

4. Steven Covey's *The Speed of Trust*

5. *The Social Animal*

6. *The Road to Character*

7. David Brooks

اهمیت فرهنگ. تحقیقات تاریخی و تجربی فراوانی این کار را انجام داده‌اند. این کتاب توضیح می‌دهد چرا فرهنگ مهم است، آن هم از رهگذر پیش‌کشیدن نظریهٔ جدیدی در این باره که فرهنگ چگونه کار می‌کند تا زندگی خوبی را تقریباً برای هر کسی ممکن سازد. برخلاف هر چیز دیگری، فرهنگ معطوف این می‌شود که ما چگونه ظرفیت خود را برای تفکر عقلایی^۱ به کار می‌گیریم. عقلانیت^۲ به ما در درک و فهم جهان و گرفتن تصمیمات خوب کمک می‌کند. اما در هر گروهی، فرهنگ همچنین به ما کمک می‌کند تا مشخص کنیم چگونه رفاه خود را به هزینهٔ خیر همگانی^۳ ترفیع دهیم و در میان گروه‌ها، فرهنگ به ما کمک می‌کند تا مشخص کنیم چگونه به هزینهٔ آن‌ها با تقویت میل و فرمان به قبیله‌گرایی^۴ منتفع شویم.

مدت‌های طولانی است که از این مشکل باخبریم و موضوع داستان‌های خیالی و افسانه‌ها و بازی‌ها و رمان‌ها و فیلم‌ها و متون مذهبی بی‌شماری بوده است. بعضی فرهنگ‌ها از این مشکل با جایگزینی^۵ باورها و فعالیت‌هایی به جای فرصت‌طلبی^۶ اجتناب می‌کنند که به شدت تفکر عقلایی را در حالت کلی سرکوب می‌کنند. با انجام این کار، خیلی‌ها جوامع فقیری را رقم می‌زنند که از آزادی فردی حمایت ناچیزی می‌کنند و اما در چند جای محدود در جهان، فرهنگ فرصت‌طلبی را سرکوب می‌کند، نه عقلانیت را، آن هم از رهگذر باورهای اخلاقی که فرصت‌طلبی را غیرعقلایی می‌سازند. این امر، با توجه کردن به عقلانیت به جای سرکوب آن، اعتماد می‌آفریند و بدین وسیله جوامعی را به وجود می‌آورد که سعادت و آزادی عمومی در آن‌ها عادی^۷ است.

1. rational

2. rationality

3. common good

4. tribalism

5. crowding out

6. opportunism

7. norm